

نقش و توانایی مدیران در اجتناب مالیاتی و سود آوری شرکت‌هامحمدهادی تمدنی نژاد^۱^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد کسب و کار (گرایش مالی)، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

The Role And Ability Of Managers In Tax Avoidance And Corporate Profitability**Mohammahadi Tamaddoninezhad¹**¹ MBA Student, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: (24/10/2020) Accepted: (29/11/2020)

Abstract

Paying taxes leads to a reduction in profits and cash remaining for the company's stakeholders, including shareholders, so there is a natural incentive for the company, shareholders and other governing agents to take steps to avoid taxes and thus reduce tax payments. Tax evasion is the use of legal loopholes in tax law to reduce taxes, which can be done by transferring revenue to a low-tax area or transfer pricing. In most researches that have been done so far with the aim of explaining the factors affecting tax avoidance, the emphasis has been on each specific feature of companies; Recent research, however, examines the ability and role of board members and managers as one of the most important determinants of tax avoidance. The results of previous research show that one of the determinants of tax avoidance is the concept of management ability. The purpose of this study is to review the impact of management ability on tax avoidance. The statistical population of these studies consists of companies listed on the stock exchange. The results show that companies with better performance, managers with a high level of ability are less involved in tax avoidance activities. In general, the research results show In addition to the characteristics of the company, managerial ability is effective on the tax evasion behavior of the company

Keywords

Ability to manage, tax avoidance, effective tax rates, corporate profitability, corporate value

چکیده

پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای ذینفعان شرکت از جمله سهامداران میشود، از اینرو به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت، سهامداران و سایر عوامل اداره کننده آن، اقداماتی را جهت اجتناب مالیاتی و در نتیجه کاهش پرداخت مالیات انجام دهند. اجتناب مالیاتی، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی به منظور کاهش مالیات است که میتواند از طریق انتقال درآمد به یک منطقه با مالیات کم و یا قیمت گذاری انتقالی انجام شود. در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی صورت گرفته، تأکید هر ویژگی‌های خاص شرکتها بوده است؛ این در حالی است که پژوهش‌های اخیر، توانایی و نقش اعضای هیات مدیره و مدیران را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی بررسی میکند. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان میدهد یکی از عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی، مفهوم توانایی مدیریت است. هدف پژوهش حاضر، بررسی مروری تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی است. جامعه آماری این پژوهش‌ها را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تشکیل میدهد. نتایج نشان دهنده این است شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر است.

واژه‌های کلیدی

توانایی مدیریت، اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی، سود آوری شرکت، ارزش شرکت

مقدمه

مالیات، هزینه ای است که بر تمام واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی میکنند، از جانب دولت تحمیل میشود. چنانچه شرکتها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت میکنند، میتوان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاشها و راهکارهای قانونی شرکتها به منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نامهای متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می شناسند. بطورمتداول، فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه جویی مالیاتی اطلاق میشود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال میدهد و بنابراین، ارزش بعهده از مالیات شرکت را افزایش میدهد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). از دیدگاه مبانی نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات های پرداختی است (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. بنابراین از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر میرسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و بطور عمده قوانین محدودکننده ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳)، به نظر می رسد بسیاری از شرکت ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و از این رو تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکتها اهمیت زیادی دارد. در اغلب پژوهش هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی صورت گرفته، تأکید بر ویژگیهای خود شرکت ها بوده است؛ ای در حالی است که پژوهش های اخیر ویژگی های شخصیتی اعضای هیات را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی بررسی میکنند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج پژوهشهای پیشین (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶) نشان میدهد یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی، مفهوم نقش و توانایی مدیریت است. مدیران مسئول تصمیم گیری های استراتژیک و انجام برنامه ریزی های عملیاتی شرکت هستند. به دلیل ایجاد تغییرات سریع و رقابت شدید در محیط کسب و کار، استراتژی های متنوع اتخاذشده توسط مدیران، تعیین کننده آینده شرکت می باشد و در نتیجه نقش مهمی بر روی ارزش آتی شرکت دارند. یکی از این تصمیمات بسیار مهم مدیریتی، اجتناب از مالیات است. از دیدگاه سنتی اجتناب از مالیات، فعالیتی با ارزش افزوده برای شرکت ها است که موجب انتقال ثروت از دولت به سهامداران می شود (پارک و همکاران، ۲۰۱۶). شرکت های خصوصی به منظور کاهش هزینه ها، تلاش می کنند تا از پرداخت مالیات اجتناب کنند. آن ها دائماً به دنبال پیدا کردن راه های جدیدتری برای فرار از پرداخت مالیات هستند و برای دست یافتن به این مهم اقدام به استخدام مدیران متخصص و آشنا به قوانین مالیاتی می کنند تا از آشنایی آن ها به ابهامات و نقاط ضعف موجود در قوانین و مقررات مالیاتی استفاده کنند و از پرداخت مالیات اجتناب کنند و در نهایت باعث کاهش هزینه ها و افزایش سودآوری شرکت شوند. (دایرینگ و همکاران ۲۰۱۰)، نشان دادند ویژگی های منحصر به فرد مدیران یکی از عوامل مهم اجتناب مالیاتی شرکت ها می باشد، درحالی که ویژگی هایی مثل میزان آموزش و تحصیلات مدیران و جنس و سن آن ها، نمی توانند عوامل تعیین کننده ای در اجتناب مالیاتی شرکت ها باشند. روس و شیرد (۱۹۹۷)، شوانا (۲۰۰۹) و برتراند و اسپور (۲۰۰۳) بیان کردند که مدیران در تصمیم گیری های خود در زمینه های مالی و سرمایه گذاری از

سبک ها و شیوه های مختلفی استفاده می کنند، و بیانگر این است که مدیران با توانایی بالا با استفاده از سبک ها و شیوه های مدیریتی خود باعث بالاتر رفتن کیفیت عملکرد شرکت می شوند. همچنین، هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) بیان می کنند که اگر چه گام های مهمی در جهت درک بهتر برنامه ریزی های مالیاتی شرکت ها برداشته شده است ولی هنوز این موضوع به درستی و به طور کامل درک نشده است. ارزش گذاری شرکتها از ضروریات برنامه ریزی برای مدیران و سرمایه گذاران است. ارزش شرکت برای سهامداران، سرمایه گذاران، مدیران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان شرکت در ارزیابی آنها از آینده شرکت و تأثیر آن در برآورد ریسک و بازدهی سرمایه گذاری و قیمت سهام اهمیت به سزایی دارد (پورزمانی و خریدار، ۱۳۹۲) یکی از پارامترهای حائز اهمیت که همواره به عنوان یک شاخص مهم در تجزیه و تحلیل شرکتها مورد استفاده قرار میگیرد، سودآوری است. تغییرات سود مربوط به شرکتها از دیرباز مورد توجه سهامداران و سرمایه گذاران بوده است. سرمایه گذاران تمایل زیادی به سرمایه گذاری در سهام شرکتهایی دارند که سود آنها رو به رشد است. در این میان شناسایی عواملی که باعث ایجاد نوسانات در سود سهام (در واقع سود کل شرکت) می شوند باعث می شود سرمایه گذاران و سهامداران بتوانند تصمیمات صحیح اتخاذ نمایند. (زوبایری، ۲۰۰۹). امروزه نقش نظام های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچ کس پوشیده نیست. در بعد اجتماعی، هدف اصلی وضع مالیات، کاهش فاصله تأمین طبقاتی و توزیع مجدد درآمدها است. هدف اقتصادی از وضع مالیات ها، تثبیت نوسانات اقتصادی، تخصیص بهینه تأمین منابع بین بخش های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه ای می باشد و هدف بودجه ای دولت ها از وضع مالیاتها نیز، تأمین مالی بودجه دولت میباشد (حبیبی، ۱۳۹۰). با این حال، مالیات بر درآمد از منظر شرکت ها هزینه است. (ولک و همکاران ۲۰۱۳). شرکت ها انگیزه خواهند داشت به منظور افزایش ارزش شرکت تا حد ممکن در هزینه های خود صرفه جویی نمایند. بایستی توجه نمود که ارزش بازار سهام متأثر از بسیاری از متغیرها از جمله اجتناب مالیاتی شرکت میباشد که شناخت آن میتواند اطلاعات مفیدتری برای تصمیم گیری سرمایه گذاران فراهم آورد (واقفی، یوسفی زاده، ۱۳۹۴).

مبانی نظری

در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت ها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی میشود. به عنوان مثال، دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲، ۲۰۱۳) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف میکنند. این منابع تولید درآمد در شرکتها شامل بهای موجودی ها، هزینه های اداری و توزیع و فروش، دارایی های ثابت، اجاره های عملیاتی، هزینه های تحقیق و توسعه و دارایی های نامشهود شرکت میشود (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲). توانایی مدیریتی بالاتر میتواند منجر به مدیریت کارتر عملیات روزانه شرکت شود، خصوصا در دوره های بحرانی عملیات، که تصمیم گیری های مدیریتی میتواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره هایی که شرکت با بحران روبه روست، مدیران توانا تر تصمیم گیری مناسبتری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳). نقش توانایی مدیریتی به معنای توانایی مدیران در افزایش ارزش شرکت با استفاده مؤثر از منابع محدود در کل عملیات تجاری شرکت تعریف شده است (

دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲) مدیران با سطح بالاتری از توانایی باید دانش و اطلاعات مرتبط بیشتر و درک بهتری از پیرامون صنعت داشته باشند. مدیران توانا می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و انجام برنامه ریزی‌های عملیاتی نقش مهمی در بالا بردن ارزش آتی شرکت داشته باشند. یکی از مهم‌ترین این تصمیمات، اجتناب از مالیات است. رابطه بین توانایی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را می‌توان از دو دیدگاه سنتی و نمایندگی مورد بررسی قرارداد. با توجه به دیدگاه سنتی در مورد ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت، اجتناب از مالیات با کاهش منابع انتقالی به عنوان مالیات از شرکت به دولت باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود. از این رو، طبق دیدگاه سنتی، مدیران با سطح بالایی از توانایی منابع حاصل از اجتناب مالیاتی را وارد شرکت می‌کنند و باعث افزایش ارزش شرکت می‌شوند. این منابع با توجه به کاهش مالیات پرداختی و در نتیجه افزایش سود خالص دوره جاری و نهایتاً افزایش میزان نقدینگی حاصل می‌شود (پارک و همکاران، ۲۰۱۶). به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات، قوانین و ساز و کارهای مربوط به آن، از دیر باز مورد توجه صاحب‌نظران اقتصاد، مالیة عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته است. (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۸). مالیات در حقیقت، به نوعی، پرداخت هزینه زندگی اجتماعی می‌باشد. تعاریف مختلفی از مالیات ارائه شده است. برای نمونه، صندوق بین‌المللی پول مالیات را وجوه اجباری، غیر جبرانی و غیر قابل برگشتی تعریف می‌نماید که برای مقاصد عمومی توسط دولت مطالبه می‌شود (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۹). افزون بر خصلت اجباری بودن، یک خصوصیت بارز دیگر مالیات در این است که رابطه صحیح دو طرفه یا متناسبی میان مالیات دریافتی و ارزشی خدمات عمومی که مالیات‌دهندگان از آن برخوردار می‌شوند، وجود ندارد (حبیبی و کمیجانی، ۱۳۹۰). برخی از پژوهشگران استدلال نمودند که راهبری شرکتی عاملی مؤثر بر نوع واکنش شرکت نسبت به تغییرات نرخ مالیات شرکت‌ها می‌باشد. هنگامی که دولت ضعیف باشد، افزایش نرخ مالیاتی منجر به این می‌شود که شرکت‌ها تدابیری بیندیشند که مالیات‌بنگاه را کاهش دهند. شرکت‌ها این کار را از روش‌های طرق مختلفی مانند نقض و تخطی از قوانین و استفاده از خلأهای قانونی و غیره انجام می‌دهند. زمانی که راهبری شرکتی قوی باشد، افزایش نرخ مالیاتی بنگاه می‌تواند زمینه کسب بازدهی بیشتری را برای شرکت فراهم نماید. پژوهش‌های تجربی حاکی از آن است که بازار به سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها واکنش نشان می‌دهد و با واکنش منفی شرکت‌هایی را که رویه متهورانه‌ای در پیش گرفتند، جریمه می‌نمایند. درواقع، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند هزینه‌های غیر مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم برای شرکت به وجود آورد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). کاستر و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند، به سه دلیل مدیرانی که توانایی بالایی در مدیریت کارآمد منابع دارند، بیشتر از سایر مدیران درگیر موضوع اجتناب از مالیات می‌شوند. اول اینکه مدیران توانا بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی منطبق سازند و به راحتی می‌توانند با توجه به درک بالایی که از محیط عملیاتی شرکت دارند از فرصت‌های ایجادشده برای برنامه ریزی مالیاتی در جهت بالا بردن بازدهی شرکت استفاده کنند. به عنوان مثال، زمان بندی، طبقه بندی و مکان‌یابی فعالیت‌های تحقیق و توسعه که دارای پیامدهای مهمی برای به دست آوردن مزایای مالیاتی می‌باشند. دوم اینکه مدیران توانا می‌توانند بازدهی شرکت را از طریق به حداقل رساندن هزینه‌ها انجام دهند. اگرچه انگیزه کاهش هزینه‌ها در همه مدیران وجود دارد ولی کاهش برخی از هزینه‌ها مثل هزینه‌های تولید، دستمزد، بازاریابی و ... می‌تواند عواقب نامطلوب در عملیات شرکت داشته باشد.

بنابراین مدیران با توانایی بالا برای مدیریت منابع شرکت، توانایی بیشتری برای کاهش هزینه ها دارند. به عنوان مثال حذف هزینه های بازاریابی می تواند باعث کاهش میزان فروش شرکت شود و همچنین کاهش هزینه های تحقیق و توسعه می تواند باعث کاهش نوآوری شود. بنابراین مدیران با توانایی بالا در مدیریت کارآمد منابع شرکت، هزینه ها را از طریق اجتناب از مالیات کاهش می دهند. سوم اینکه مدیرانی که به دنبال مدیریت مؤثر منابع شرکت هستند، تصمیمات تجاری خود را به گونه ای اتخاذ می کنند که باعث کاهش وجوه پرداختی بابت مالیات شود. چرا که می توانند از این مبالغ صرفه جویی شده در عملیات با پتانسیل شرکت استفاده کنند و با این مبالغ سرمایه گذاری های مناسب انجام دهند. هدایت منابع شرکت به سمت فعالیت های عملیاتی پر بازده انتظاری است که از مدیران با توانایی بالا می رود (کاستر و همکاران، ۲۰۱۶). با این حال طبق تئوری نمایندگی اگر چه اجتناب از مالیات ممکن است مزایایی برای سهامداران به همراه داشته باشد. ولی این کار هزینه های غیر مالیاتی، از جمله زمان، منابع انسانی و منابع صرف شده برای استراتژی های مالیاتی، هزینه های سیاسی و نهایتاً هزینه هایی که بابت متزلزل شدن جایگاه شرکت در جامعه به دلیل افترا و تهمت فرار مالیاتی باید پرداخت کند را به همراه دارد (دسای و دارمپا، ۲۰۰۹؛ گراهام و همکارانش، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران با سطح توانایی بالاتر قادر به پیش بینی بهتر این هزینه ها و مزایای اجتناب از مالیات می باشند. بنابراین سطح مطلوب اجتناب از مالیات تعیین شده توسط مدیران ممکن است بسته به ویژگی های شرکت ها متفاوت باشد. این موضوع مطابق با نتایج پژوهش اسلمورد (۲۰۰۴) می باشد که می گوید سطح مطلوب اجتناب از مالیات، سطحی است که شرکت در بالاترین ارزش خود با توجه به ویژگی های خاص هر شرکت، میزان نسبی هزینه ها و منافع حاشیه ای ناشی از اجتناب از مالیات قرار می گیرد. یک مدیر توانا، اطلاعات بیشتری در مورد محیط کسب و کار شرکت دارد. بنابراین می تواند بازدهی شرکت را از طریق استفاده مؤثر از منابع محدود شرکت به حداکثر برساند (بایک و همکاران، ۲۰۱۳؛ دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). اگر هزینه های مالیاتی و هزینه های غیر مالیاتی اجتناب از مالیات بیش از منافع آن باشد و هزینه فرصت اجتناب از مالیات بیش از فعالیت های دیگر مدیریتی باشد، مدیران توانمند منابع شرکت را در سایر فعالیت های مدیریتی از قبیل بازاریابی، سرمایه گذاری و فعالیت های مالی صرف می کنند تا عملکرد کلی شرکت را به حداکثر برسانند. موارد متعددی را می توان برشمرد که طی آن، قانون شرایط ویژه ای برای مؤدیان در نظر گرفته و مؤدیان نیز می توانند از شرایط در نظر گرفته شده یا ضعف قانون و مصوبات مربوطه به نفع خود استفاده نمایند. در ایران نیز مانند سایر کشورها به موجب قانون تخفیف ها و معافیت های مالیاتی برای برخی صنایع، مناطق و افراد در نظر گرفته شده. برای مثال، به موجب ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی مقرر می نماید که شرکت هایی که ۲۰ درصد سهام شناور آزاد داشته باشند، مشمول معافیت مالیاتی ۲۰ درصدی می شوند. پیش از این طبق ماده ۱۴۳ ق.م.م مقرر شده بود که شرکت های بورسی مشمول معافیت مالیاتی ۱۰ درصدی می باشند؛ که به موجب مصوبه فوق الذکر نرخ مالیات شرکت هایی که بیش از ۲۰ درصد سهام شناور آزاد داشته باشند، معادل ۲۰ درصد می باشد. هرچند که هدف این قانون توسعه و گسترش سهام شناور و افزایش نقدشوندگی سهام و همچنین، تسهیل در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی عنوان شده، اما باید خاطر نشان کرد که این قانون و کاستی های مربوط به نظارت و سایر قوانین این امکان را برای شرکت ها فراهم می نماید که با مبادلات به ظاهر قانونی سهام، درصد سهام

شناور شرکت را به حد نصاب رسانده و شرکت مشمول معافیت ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی شود و نرخ مالیاتی آن به جای ۲۲/۵ درصد با نرخ ۲۰ درصد

محاسبه و پرداخت شود. موارد متعددی را می توان برای اجتناب مالیاتی برشمرد؛ نمونه فوق تنها یکی از صدها مواردی است که شرکت ها می توانند بوسیله آن مالیات خود را کاهش دهند (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۲)

پیشینه تحقیق

پارک و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی در شرکت های کره ای طی سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج پژوهش نشان دهنده رابطه منفی و معنادار بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی بود. نتایج نشان دادند که رابطه منفی و معنادار بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت بود. بعلاوه، نتایج نشان دهنده این بود که مدیران با توانایی بالاتر منجر به کاهش رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر تأثیر توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت است.

کاستر و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت طی سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج نشان دادند مدیران با توانایی بیشتر موجب افزایش اجتناب از مالیات شرکت ها می شوند. از طرفی، نتایج نشان دادند که در حرکت از چارک پایین تر به بالاتر توانایی مدیریتی با کاهش ۳/۱۵ درصدی در یک سال (۲/۵ درصدی در پنج ساله) در نرخ موثر مالیات نقدی یک شرکت مرتبط است. همچنین، یافته ها گویای این مطلب است که مدیران توانمند برای کاهش پرداخت مالیات از راه های مختلفی استفاده می کنند. از جمله این راه ها عبارتند از: تعامل در فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی دولت ها، سوق دادن درآمد بیشتر به سمت درآمدهای خارجی و استفاده از پناهگاه های مالیاتی خارجی، ایجاد طرح و توسعه اعتباری و سرمایه گذاری بیشتر در دارایی های که شتاب کسر استهلاک آن ها بالاست.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شرکت های با مدیران تواناتر در دوره های بحرانی خود، سرمایه گذاری بیشتری انجام می دهند، سود بیشتری عاید شرکت می کنند و چنانچه روند سودآوری مناسب نباشد، از ابزار تأمین مالی بدهی به نحو مناسب استفاده می کنند. همچنین توانایی مدیریت با نامتقارنی اطلاعات رابطه منفی و معنادار دارد. به بیان بهتر، مدیر توانمند می تواند موجب عملکرد بهتر شرکت، افزایش سرمایه گذاری، افزایش سودآوری، استفاده مناسب از منابع و کاهش نامتقارنی اطلاعات شود.

دایرینگ و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکت ها پرداختند. آن ها در بررسی خود در باب تأثیر ویژگی های فردی مدیران ارشد در افزایش اجتناب مالیاتی شرکت ها، به این نتیجه رسیدند که جدا از ویژگی های خاص شرکت ها، ویژگی های فردی مدیران ارشد، نقش بسیار مهمی در تعیین سطح اجتناب مالیاتی شرکت ها دارند.

دسای و دارماپا (۲۰۰۶)، در مطالعه ای تحت عنوان وضعیت مالیات و حاکمیت شرکتی، ارتباط متقابل سیستم مالیاتی و حاکمیت شرکتی را مورد بررسی قرار دادند و مشکلات نمایندگی را به عنوان عامل اساسی شکل گیری این ارتباط متقابل دانستند. آن ها ادعا

کردند که افشای عدم اطمینان در خصوص تعیین وضعیت مالیاتی شرکت با اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بنابراین، عدم اطمینان در خصوص میزان مالیات شرکت ها، ناشی از پیچیدگی و ابهام فعالیت های اجتناب مالیاتی شرکت است.

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۳) نیز به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. آن ها دریافتند تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی بیشتر در دو سر طیف یا به عبارتی دیگر دنباله های جدول آماری اجتناب مالیاتی وجود دارد. نکته قابل توجه و مهم این بود که این محققین رابطه مثبتی بین درصد اعضای غیر موظف و همچنین، مهارت مالی و خبرگی هیأت مدیره در سر طیف بالای تابع اجتناب مالیاتی مشاهده کردند؛ ولی این رابطه را در سر طیف پایین یا به بیان دیگر، دنباله پایین تابع اجتناب مالیاتی مشاهده نمودند. همچنین، آن ها رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، چه در میانه و چه در میانگین تابع توزیع، مشاهده نمودند. آن ها استدلال کردند که راهبری شرکتی درصدد ایجاد توازن اجتناب مالیاتی است و در شرکت هایی که اجتناب مالیاتی خیلی بالا است، گرایش به کاهش آن دارد و در شرکت هایی که اجتناب مالیاتی بسیار پایین است، نیز راهبری شرکتی درصدد افزایش اجتناب مالیاتی می باشد. در واقع، شاید به همین دلیل بود که در تحقیق آن ها رابطه معناداری مشاهده نگردد.

دیمرجان و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که کیفیت سود شرکت ها، رابطه مثبت و معناداری با توانایی مدیریت آن شرکت دارد. مدیران توانا تر منجر به ایجاد درآمدهای بالاتر، کیفیت سود بیشتر، خطای کمتر در تأمین مالی نامناسب از طریق استقراض میشوند.

کیم و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که بین اجتناب مالیاتی شرکت ها و ریسک سقوط قیمت سهام، ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. چنین نتیجه ای با این دیدگاه مطابقت دارد که اجتناب مالیاتی برای مدیران فرصتی را فراهم می کند تا با رفتارهای فرصت طلبانه، اخبار بد را پنهان و انباشته کنند. این امر موجب می شود قیمت سهام بیش از واقع ارزیابی شده و حباب قیمت ایجاد شود. مهمتر اینکه پنهان کردن اطلاعات منفی درباره شرکت، فرصت انجام اقدامات اصلاحی بموقع یا کنار گذاشتن پروژه های ضعیف و نامناسب را از سرمایه گذاران و هیأت مدیره می گیرد. زمانی که اخبار بد به اوج خود میرسند و همه به یکباره آشکار میشوند، قیمت سهام شرکت سقوط میکند.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش آنها نشان داد رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

خواجوی و کیامهر (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. معیار سنجش اجتناب مالیاتی نرخ مؤثر مالیات نقدی و اختلاف دائمی مالیات می باشد. همچنین در زمانی که اجتناب مالیاتی با نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت سنجیده میشود، رابطه معناداری میان اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت ها مشاهده نشد.

مطابق نتایج پژوهش پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) فعالیت‌های برنامه ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. به بیان دیگر، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود. نتایج بدست آمده حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی بود. با در نظر گرفتن مبانی نظری، پژوهش‌های گذشته و نتایج آنها، فرضیه‌های پژوهش بدین شرح مطرح می‌شود:

فرضیه اول: توانایی مدیریت تأثیر معناداری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی دارد.

فرضیه دوم: توانایی مدیریت تأثیر معناداری بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات دارد.

جدول ۱. خلاصه پیشینه

نام نویسندگان	سال	عنوان مقاله	نتایج
پارک و همکاران	۲۰۱۶	Managerial Ability and Tax Avoidance: Evidence from Korea.	دریافتند که بین اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و ریسک سقوط قیمت سهام، ارتباط مثبت معناداری وجود دارد
کاستر و همکاران	۲۰۱۶	The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Avoidance. Management	نشان دادند مدیران با توانایی بیشتر موجب افزایش اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌شوند.
آندرو و همکاران	۲۰۱۳	Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis	نشان دادند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت و سود آوری رابطه مثبت و معناداری دارد
دایرینگ و همکاران	۲۰۱۰	The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance	نشان دادند جدا از ویژگی‌های خاص شرکت‌ها، ویژگی‌های فردی مدیران ارشد، نقش بسیار مهمی در تعیین سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارند
آرمسترانگ و همکاران	۲۰۱۳	The Incentives for Tax Planning	دریافتند تأثیر راهبردی شرکتی بر اجتناب مالیاتی بیشتر در دو سر طیف یا به عبارتی دیگر دنباله‌های جدول آماری اجتناب مالیاتی وجود دارد
دسای و دارماپا	۲۰۰۶	Corporate Tax Avoidance and Firm Value	نشان دادند عدم اطمینان در خصوص میزان مالیات شرکت‌ها، ناشی از پیچیدگی و ابهام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت است
دیمرجان و همکاران	۲۰۱۳	Managerial ability and earnings quality	نشان دادند که کیفیت سود شرکت‌ها، رابطه مثبت و معناداری با توانایی مدیریت آن شرکت دارد
کیم و همکاران	۲۰۱۱	Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis	دریافتند که بین اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و ریسک سقوط قیمت سهام، ارتباط مثبت معناداری وجود دارد.
مشایخی و سیدی	۱۳۹۴	راهبردی شرکتی و اجتناب مالیاتی	نشان دادند رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حساسرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی وجود دارد
خواجوی و کیامهر	۱۳۹۴	بررسی رابطه بین کیفیت حساسرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	زمانی که اجتناب مالیاتی با نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در حساسرداری شرکت‌ها مشاهده نشد
پورحیدری و همکاران	۱۳۹۳	بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران	فعالیت‌های برنامه ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد

روش پژوهش

منظور از روش پژوهش این است که مشخص شود چه نوع روشی برای بررسی موضوع لازم است که این امر بستگی به اهداف و ماهیت پژوهش، موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد (خاکی، ۱۹۳۱). با توجه به هدف پژوهش که بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت و نقش هیات مدیره با در نظر گرفتن نقش متغیر مداخله گر سودآوری میباشد. پژوهش حاضر از نظر ماهیت نیز تفسیری-تحلیلی هست. اطلاعات مورد نیاز در بخش ادبیات پژوهش از مقالات، و استفاده از سایتهای مختلف اینترنتی و در مواردی از پژوهش های انجام شده مرتبط استخراج شده است. (روش کتابخانه ای)،

تشریح ابعاد موضوع

- اجتناب مالیاتی

اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است. اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده اند. خواجوی و کیامهر، (۱۳۹۵) بر اساس تعریف اسلیمرد، (۲۰۰۴) نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی میشود. برای محاسبه اجتناب از مالیات، مقیاسهای مختلفی به کار میرود که نرخ مؤثر مالیات حسابداری مقیاسی است که از تقسیم هزینه کل مالیات بر درآمد حسابداری به سود حسابداری قبل از مالیات محاسبه میشود که این نرخ متأثر از سود حسابداری میباشد، (هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰)

$$ETR_{it} = \frac{\text{Total Tax Expense } it}{\text{Per Tax Income } it}$$

که در این رابطه :

ETR_{it} = نرخ مؤثر مالیاتی شرکت i در سال t

$Total Tax Expense \ it =$ کل هزینه مالیات شرکت i در سال t

$Per Tax Income \ it =$ سود قبل از مالیات i در سال t

- ارزش شرکت

در ادبیات مالی مفاهیم متعددی برای ارزش شرکت و همچنین مدلهای متنوعی برای ارزش شرکت وجود دارد. ارزش یک قلم دارایی، اعم از اینکه واقعی یا مالی باشد، بستگی به این دارد که تا چه حد بتواند خواسته ها و نیاز اشخاص را ارضا کند. ارزش یا مطلوبیت دارایی های یک شرکت در گرو توانایی آن دارایی در ایجاد جریانهای نقدی در یک دوره معین زمانی است (محمودی و فلاح ۱۳۹۶).

از نسبت Q توبین به عنوان یک معیار ارزش استفاده شده است. این نسبت به صورت مجموع ارزش بازار سهام بر ارزش دفتری دارایی ها تعریف میشود (توبین، ۱۹۶۹)

$$Tobin's Q = \frac{MVS}{BVA}$$

در این رابطه :

MVS = ارزش بازار

BVA = ارزش دفتری دارایی ها

- سود آوری

سودآوری به توانایی شرکت در کسب سود اشاره دارد. سودآوری نتیجه نهایی همه برنامه ها و تصمیمات مالی شرکت است. (فوستر، ۱۹۸۶). برای اندازه گیری سود آوری می توان میزان کارایی یک شرکت، در خلق سود خالص برای سهامداران را با نسبت بازده حقوق صاحبان سهام بررسی کرد. در واقع این نسبت بیان می نماید، که بنگاه اقتصادی به ازاء هر یک واحد سرمایه گذاری سهامداران، به چه میزان سود خالص برای آنها کسب می کند

$$ROE = \frac{Net\ Income}{Shareholders\ Equity}$$

که در این رابطه :

$Net\ Income$ = سود خالص متعلق به سهامداران عادی

$Shareholders\ Equity$ = میانگین حقوق صاحبان سهام

- اندازه شرکت

اندازه شرکت نقش مهمی در تعیین نوع روابط شرکت در داخل و خارج محیط عملیاتی ایفا میکند و نشان دهنده برتری رقابتی است. از آنجا که دستیابی به سهم بیشتر از بازار نیازمند تولید و فروش و بازاریابی بیشتر است. داشتن منابع مالی کافی و اندازه بزرگتر میتواند شرکت را در تحقق این هدف و ایجاد مزیت رقابتی یاری نماید. (گیتس و گریتن، ۲۰۰۳) اندازه، شرکت میتواند ریسک کلی شرکت را کاهش دهد، زیرا شرکتی که از نظر اندازه بزرگتر باشد از نظر عموم شناخته شده تر است و انتظار می رود ایمنی بیشتری برای سرمایه گذاران داشته باشد. به طور کلی، ممکن است هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، ریسک کمتری نسبت به شرکتهای کوچکتر وجود دارد. (گراهام و همکاران، ۱۹۸۹ : هواکیمین و همکاران، ۲۰۰۱)

- توانایی مدیریت

به منظور اندازه گیری توانایی مدیریت از الگوی دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این الگو، با استفاده از اندازه گیری کارایی شرکت و سپس، وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغییره به عنوان متغییر وابسته و کنترل ویژگی های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه میگردد. به منظور اندازه گیری کارایی شرکت، دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) از الگوی تحلیل پوششی داده ها

(DEA) استفاده کرده اند. الگوی تحلیل پوششی داده ها، نوعی الگوی آماری است که برای اندازه گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده های ورودی و خروجی کاربرد دارد. در این الگو با استفاده از بهای کالای فروش رفته، هزینه های عمومی، اداری و فروش، مانده خالص دارایی ها، هزینه اجاره عملیاتی، هزینه تحقیق و توسعه، سرفقلی خریداری شده، مانده خاص دارایی های نامشهود و میزان فروش و همچنین نرخ نهایی مالیات، میزان کارایی شرکت بدست می آید. هدف از محاسبه کارایی شرکت، سنجش توانایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی، ویژگی ذاتی شرکت نیز دخالت دارند، نمی توان توانایی مدیریت را بدرستی اندازه گیری کرد. زیرا متاثر از این ویژگی ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می شود. دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲) به منظور کنترل اثر ویژگی های ذاتی شرکت در الگوی خود، کارایی شرکت را به دو بخش جداگانه، یعنی کارایی بر اساس ویژگی های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم کرده اند.

یافته ها

با بررسی پژوهش ها، میانگین تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD) نشان می دهد که به طور متوسط سود قبل از مالیات شرکتها بیشتر از سود مشمول مالیات آنها است. کمینه تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، نشان می دهد که در برخی از شرکت های مورد مطالعه در پژوهش ها، سود حسابداری کمتر از سود مشمول مالیات است. کمینه نرخ مؤثر مالیاتی نیز نشان می دهد برخی از شرکت ها با وجود گزارش سود، هیچگونه مالیاتی پرداخت نکرده اند. (حسینی و شعری، ۱۳۹۶)

با توجه به نتایج فرضیه های در نظر گرفته شده در این پژوهش ها، ضریب متغیر توانایی مدیریت و نرخ موثر مالیات نقدی در جامعه آماری مورد پژوهش ارتباط مثبت معناداری با هم دارند و در واقع افزایش توانایی مدیران به طور معناداری منجر به افزایش اجتناب مالیاتی می گردد. همچنین یافته های آنها نشان می دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اندازه شرکت کمتر از ۰/۵ است. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر اندازه شرکت منفی است؛ یعنی اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی معناداری دارد. (حسینی و شعری، ۱۳۹۶). اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت رابطه معناداری دارد. با توجه به مدل رگرسیون بدست آمده برای بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت نتیجه گرفته می شود که متغیر کنترلی اندازه شرکت بر ارزش شرکتها تأثیرگذار است و از طرف دیگر با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی متغیر اجتناب مالیاتی مثبت شده، نشان دهنده تأثیر مثبت و معنی دار این متغیر است. بدین معنی که اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم با ارزش شرکتها داشته و با افزایش آن ارزش شرکت افزایش می یابد. (جلیلیان و محمدی، ۱۳۹۶). همچنین سودآوری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر معنادار دارد. با توجه به مدل رگرسیون بدست آمده برای بررسی تأثیر سودآوری بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت، نتیجه گرفته می شود که متغیر کنترلی اندازه شرکت بر ارزش شرکتها تأثیرگذار است و از طرف دیگر با توجه به اینکه ضریب رگرسیون متغیر مداخله گر سودآوری مثبت شده نشان دهنده تأثیر مثبت این متغیر است. بدین معنی که سودآوری بر ارتباط مستقیم میان اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر داشته و با افزایش و کاهش آن رابطه میان اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت در جهت معکوس تغییر می یابد. (جلیلیان و محمدی، ۱۳۹۶). یافته های پژوهش های جامعه آماری بیانگر این است که متوسط اجتناب مالیاتی شرکت ها به طور میانگین ۱۰ درصد می باشد. این مطلب نشان

می دهد به طور متوسط نرخ واقعی مالیات شرکت ها ۱۲/۵ درصد درآمد قبل از کسر مالیات می باشد. بررسی های بیشتر حاکی از این مطلب است که برخی از شرکت ها توانستند اجتناب مالیاتی نمایند و علی رغم اینکه سود ده بودند و در شرایط عادی باید مالیات پرداخت می نمودند، کلاً از پرداخت مالیات شانه خالی نمودند. همچنین، برخی از شرکت ها نیز در برخی از سال ها، مالیاتی بیشتر شناسایی و پرداخت نمودند که این مبین آن است که برخی از فعالیت ها نرخ مالیاتی متفاوتی دارند و فعالیت های شرکت باعث شده مالیاتی بیشتر متوجه شرکت شود و به اصطلاح سیاست معکوس اجتناب مالیاتی اتخاذ نمودند. (مشایخی و سیدی ۱۳۹۴)

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی پژوهش ها نشان میدهد که بین دو متغیر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه معنی داری وجود دارد. شرکتها تمایل به کاهش تعهدات مالیاتی خود دارند. اجتناب مالیاتی از جمله سیاست هایی است که میتواند مورد استفاده شرکتها قرار گیرد و با کاهش مالیات، عملکرد و ارزش شرکت را بهبود بخشد. با این حال، باید توجه نمود که اقدامات و استراتژیهای مالیاتی شرکتها میتواند پیامدهای مطلوب و نامطلوب مختلفی برای شرکت در پی داشته باشد. طبق تئوری نمایندگی مدیران به عنوان نمایندگان مالکان وظیف دارند در راستای حداکثر کردن ارزش شرکت گام بردارند و با در نظر گرفتن سهامداران به عنوان مرکز ثقل، به سایر گروههای ذینفع نیز توجه نمایند همچنین سودآوری اثر معناداری بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت دارد. مدیران کارا، توانایی استفاده بهتر از منابع موجود را در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارند و رضایت سهامداران را نسبت به میزان سودآوری شرکت جلب نمایند. پس در نهایت استراتژیهای انتخابی توسط مدیر باید انتظارات سهامداران از سودآوری شرکت را برآورده نماید. مدیران توانا بیشترین زمان خود را صرف پروژههای سودآور و دارای ارزش افزوده میکنند و از فعالیتهایی که دارای هزینه فرصت از دسترفته هستند (مثل اجتناب مالیاتی) پرهیز میکنند، چرا که زمان گذاشتن بر روی فعالیتهایی همچون اجتناب مالیاتی، هم وقت و هم هزینه میگیرد و این احتمال وجود دارد که انجام چنین فعالیتهایی توسط مقامات مالیاتی شناسایی و حتی منجر به جریمه و خسارت شرکت گردد و بر حسن شهرت شرکت لطمه وارد نماید. در غیر این صورت، این انگیزه برای مدیر ایجاد خواهد شد که با استفاده از راهکارهای غیرقانونی نظیر اجتناب مالیاتی، سعی در رساندن سودآوری شرکت به حد مورد انتظار سهامداران نماید. چراکه اگر مدیران نتوانند ارزش شرکت را افزایش دهند، سهامداران جدید حتماً مدیران را برکنار و مدیران موردنظر خود را جانشین آنها خواهند کرد. یک رابطه معنادار بین نقش و توانایی مدیریتی و اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد. نتایج حاصل پژوهش ها نشان داد که بین توانایی مدیریتی و معیارهای استفاده شده برای اجتناب از پرداخت مالیات (نرخ موثر مالیاتی دفتری و نقدی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که توانایی مدیریتی منجر به افزایش فعالیت اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می گردد. نتایج حاصله مطابق با دیدگاه سنتی است. مطابق دیدگاه سنتی اجتناب از پرداخت مالیات منجر به افزایش ارزش شرکت می گردد زیرا فعالیت های اجتناب مالیاتی با کاهش انتقال منابع از شرکت به دولت همراه است. بنابراین، کاهش مخارج مالیاتی و افزایش سود خالص در یک زمان و افزایش وجه نقد نگهداری شده از فعالیت های اجتناب مالیاتی می تواند منجر به ارزش آفرینی برای شرکت گردد. مدیران با توانایی بالاتر درک بهتری از محیط عملیاتی شرکت دارند، از این رو آن ها را قادر می سازد که تصمیمات تجاری بهتری با استراتژی های مالیاتی بگیرند و فرصت های برنامه ریزی مالیاتی را

تعیین کنند. بنابراین، هنگامی که هزینه های فرصت مدیران کاهش می یابد ارزش افزوده ایجادشده از فعالیت های اجتناب مالیاتی افزایش یافته و فعالیت های اجتناب مالیاتی یک گزینه سرمایه گذاری با جذابیت بیشتر برای مدیران خواهد شد. همچنین، نتایج نشان می دهد شرکت هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت های اجتناب مالیاتی می شوند. این نتایج دیدگاهی را حمایت می کند که اگر هزینه های فرصت اجتناب مالیاتی بیشتر از فعالیت های دیگر مدیران باشد، مدیران با سطح توانایی بالاتر تلاش و زمان خود را صرف فعالیت های دیگر از قبیل افزایش فروش، بازاریابی به منظور افزایش فروش های خارجی، سرمایه گذاری و فعالیت های تامین مالی بجای فعالیت های اجتناب مالیاتی برای حداکثر سازی و سودآوری شرکت خواهند داشت و منابع در اختیار خود را در منافع اقتصادی با کارایی بیشتر بکار می گیرند. درکل می توان گفت که نقش هیات مدیره و مدیران در تصمیم گیری های راهبردی در زمینه برخورد با موضوع مالیات و اجتناب مالیاتی غیر قابل انکار است.

منابع

- پور حیدری، امید، فدوی، محمدحسن و میثم امینی نیا(۱۳۹۳). ((بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران))، فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد، سال چهاردهم، شماره ۵۲، ص ۸۵-۶۹
- پورزمانی، زهرا. خریدار، احسان رضا (۱۳۹۲). ((تأثیر مالکان نهادی عمده بر ارزش شرکت))، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی. تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، ص ۸۰
- دکتر بیتا مشایخی، سیدجلال سیدی (۱۳۹۴). ((راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی)) . مجله دانش حسابداری / سال ششم / ش ۲۰ / بهار ۱۳۹۴ / ص ۸۳-۱۰۳
- شکرالله خواجوی، محمد کیامهر(۱۳۹۴). ((بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران))، پژوهشنامه مالیات، فصلنامه سازمان امور مالیاتی کشور، جلد ۲۳ شماره ۲۶ صفحات ۸۷-۱۰۸
- مهناز جلیلیان، ناهید محمدی (۱۳۹۶). ((تأثیر سودآوری بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت))، اولین کنفرانس ملی نقش حسابداری، اقتصاد و مدیریت در توسعه پایدار با تاکید بر اقتصاد مقاومتی ۲۳ آذر ماه ۱۳۹۶ - تبریز / ایران
- محمدعلی آقایی، حسن حسنی، حسن باقری(۱۳۹۷). ((نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت : شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران))، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی سال ۱۴ شماره ۵۷ بهار ۱۳۹۷ صفحات ۲۴ تا ۴۷
- مسعود حسنی القار، دکتر صابر شعری آناقیز (۱۳۹۶). ((بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی))، مجله دانش حسابداری دوره هشتم / شماره ۱ بهار ۱۳۹۶ / پیاپی ۲۸ ص. ۱۰۷-۱۳۴

Armstrong, C.S., Blouin, J., Jagolizner, A., Larker, D. (2013). Corporate governance incentives, and tax avoidance.

Andreou, P.C., Ehrlich, D., Christodoulos L. (2013). Managerial ability and firm performance: evidence from the global financial crisis.

- Baik, B., J. Chae, S. Choi, and Farber, D, B. (2013). Changes in Operational Efficiency and Firm Performance: A Frontier Analysis Approach. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 30 (3): 996–1026.
- Desai, M., & Dharmapala D. (2006). Corporate Tax Avoidance and High-powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, Vol. 79, 145-179.
- Demerjian, P., Lev, B., Lewis, M., & McVay, S. (2013) Managerial Ability and Earnings Quality. *The Accounting Review*, Vol. 88 (2): 463–498.
- Dyreg, S., Hanlon, M., Maydew, E.,)2010(. The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, Vol. 85 (4), 1163-1189.
- Gabbitas, O., Gretton, P.(2003). Firm size and export performance: Some empirical evidence. Productivity commission staff research paper, Canberra, Available
- Habibi, A .,(1390). The factors affecting the promotion of compliance taxpayers Office of Markazi Province, Thesis, University of Arak [In Persian]
- Hanlon, M., Heitzman, S. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 (2-3), 127-17
- Koester, A., Shevlin, T., & Wangerin, D.)2016(. The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Avoidance. *Management Science*, Vol. 56 (2-3), 3285-3310.
- Park, Joonho., Youl Ko, c., Jung, H., & Yong-Seok Lee, Y, S. (2016). Managerial Ability and Tax Avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, Vol. 23(4): 449–477
- Wolk, H.I., Dodd, J. and Rozycki, J.(2013). *Accounting Theory Conceptual Issues in a Political and Economic Environment*, Sega publication Edition 8, United Stated of America
- Zubairi Jamal, H .(2009). ” An Investigation of the Influence of Key Financial and Economic Indicators on Profitability of Cement Sector Companies In Pakistan